



بررسی شاخص های قضایی و حقوقی امنیت مسائل اقتصادی

منصوره قاسمی

چکیده:

یکی از لوازم دستیابی به توسعه یافتگی به عنوان برجسته ترین ویژگی جامعه ایرانی در افق چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در 1404 هجری شمسی، تحقق " امنیت اقتصادی " است. اهتمام نگارنده در مقاله پیش رو ضمن بیان مفهوم " امنیت اقتصادی " در دامن علم نوین حقوق اقتصادی بر پاسخ به این سوالات استوار است که : مولفه های حقوقی توسعه اقتصادی کدامند؟ وظایف هریک از قوای سه گانه در جهت نیل به امنیت اقتصادی از منظر حقوقی چیست؟ چالش های قانونی امنیت و توسعه اقتصادی کدامند؟ جایگاه مقوله امنیت در توسعه اقتصادی چیست؟ و...

کلمات کلیدی:

حقوق اقتصادی، اقتصاد حقوق، امنیت اقتصادی، توسعه اقتصادی، مولفه های حقوقی.



1-مقدمه

" ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل ". عبارت پیش گفته به عنوان چشم انداز کلی جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی، در طلیعه سند چشم انداز بیست ساله نظام نقش بسته است. اهمیت دستیابی به توسعه اقتصادی به حدی است که نه تنها نخستین واژه معنا دار پس از نام کشور ایران در سند مزبور بدان پرداخته، بلکه در جای جای سند چشم انداز و در تمامی بخشهای آن به نحو ویژه ای از آن یاد شده، گویی تمام ظرفیتهای کشور در جهت نیل به آن بنا به درخواست و اراده مقنن بسیج شده اند. در این رهگذر یکی از مهمترین و اساسی ترین لوازم و مقدمات دستیابی به توسعه اقتصادی، " امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری " است. از سوی دیگر امنیت اقتصادی نیز خود واجد مقدمات، ارکان و شرایطی است که یکی از آن ارکان، مولفه های حقوقی و قضایی می باشد. برای تأمین " امنیت اقتصادی " به عنوان یکی از شرایط اساسی تحقق توسعه اقتصادی، ابتدا لازم است مفهوم آن را شناسایی و ارکان و مولفه های مختلف آن را مطالعه و ارزیابی نمود. پیوند ناگسستنی مقوله امنیت با علم اقتصاد ما را ناگزیر می سازد با گذری اجمالی بر علم اقتصاد، انواع، حوزه و سوالات اساسی آن را بررسی نماییم. در نهایت نیز با اذعان به تفکیک و استقلال قوای سه گانه در جمهوری اسلامی ایران ضروری است به مولفه ها، چالش های حقوقی و قضایی مربوط به " امنیت اقتصادی " پرداخته، راهکارهای مناسب و بهینه ای در هر قسمت ارائه دهیم. امید است مختصر پیش رودر حد بضاعت نگارنده آن موثر واقع شود.

2-مقدمه ای بر حقوق اقتصادی

یکی از علوم بین رشته ای که از تولد آن کمتر از پنجاه سال میگذرد، حقوق اقتصادی است. تأثیر و تأثرات متقابل حقوق و اقتصاد را علت تأسیس و ایجاد این رشته میدانند. از حدود نیم قرن پیش، اقتصاددانها متوجه وجود یک خلأ و کاستی بزرگ در تئوریهای و نظریات علم اقتصاد شدند. آنها دریافتند که وجود صرف تئوریهای نظری اقتصادی نمی تواند تأثیرات مورد انتظار را در عالم واقع و عرصه اجتماع داشته باشد چرا که اعمال و اجرای بسیاری از نظریات اقتصادی، در عالم خارج با موانع و چالشهای فراوانی روبروست. یکی از این موانع، وجود قوانین و مقررات شکلی و ماهوی ایجاد شده در عالم حقوق و تقنین است. بدین ترتیب عالمان علم اقتصاد در صدد رفع این مانع بس بزرگ، چاره ای جز انطباق نظریات خود بر مقررات قانونی نداشتند و همین امر موجبات اقتران اقتصاد و حقوق را فراهم می آورد. از طرف دیگر بزرگان علم حقوق نیز به این واقعیت واقف بودند که بسیاری از قوانین و مقررات از حیث اقتصادی مفید و کارا نیست و در بسیاری حوزه ها، وجود مقرراتی که بدون توجه به اصول اقتصادی تدوین و تصویب گردیده، باعث حرکت کلی جامعه در جهت خلاف توسعه و پیشرفت می باشد. دقت در واقعیات مزبور رفته رفته ضرورت پیوند این دو حوزه (حقوق و اقتصاد) و مآلاً " تأسیس یک رشته میان رشته ای را تقویت می نماید. یولن و کوتر در فصل اول کتاب خود تحت عنوان «حقوق و اقتصاد» در پاسخ به این سوال که «چرا حقوقدان باید اقتصاد بخواند و چرا اقتصاد دان باید حقوق بداند؟» نیز به تأثیر شگرف این دو حوزه بر یکدیگر پرداخته و ضرورت پیوند آن دو را به زیبایی تشریح نموده اند.¹ بدین ترتیب دو رشته تحت عناوین «حقوق اقتصادی» و «اقتصاد حقوق» یا همان «حقوق و اقتصاد» به وجود آمد که اولی بیشتر واجد نگاه حقوقی و دومی با صبغه اقتصادی بر بسته تری همراه می باشد. به بیان دیگر حقوق اقتصادی بیشتر در صدد بررسی حوزه های حقوقی است که دارای تأثیرات و اوصاف اقتصادی هستند، اما اقتصاد حقوق با بهره گیری از قواعد و اصول اقتصادی به خصوص تئوریهای اقتصاد خرد²، در پی ارزش گذاری اقتصادی و بررسی میزان کارایی و مطلوبیت قوانین و مقررات می باشد. اصطلاح «تحلیل اقتصادی حقوق» نیز مربوط به همین حوزه می باشد.



از نگاه یولن و کوتر³، تحلیل اقتصادی حقوق (اقتصاد حقوق) دو هدف را دنبال می کند:

الف- بررسی تأثیر قوانین و احکام قضایی بر رفتار افراد و بنگاهها.

ب- اصلاح قوانین غیر مطلوب و تدوین مقررات کارا، اقتصادی و بهینه.

امروزه در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در بسیاری کشورها، دو رشته فوق در حال تدریس می باشد. از جمله در ایران رشته " حقوق اقتصادی" در دانشکده حقوق علامه طباطبایی و شهید بهشتی تأسیس ودر حال مطالعه است. در این رهگذر عمده ترین حوزه های مطالعاتی حقوق اقتصادی عبارتند از:

- حقوق مالیاتی

- حقوق بانکی

- حقوق بیمه

- حقوق اراضی

- حقوق بین الملل اقتصادی

- حقوق عمومی اقتصادی

- حقوق کیفری اقتصادی

- حقوق حمل و نقل

- حقوق تجارت و شرکت های تجاری و...

و اما در تحلیل اقتصادی حقوق به طور کلی به دنبال کشف کارا ترین قانون و قاعده حقوقی هستیم. در این حوزه، آثار اقتصادی هر قاعده حقوقی وقضایی با بهره گیری از اصول وقواعد اقتصادی مورد بررسی قرار می گیرد تا مطلوب ترین قاعده حقوقی انتخاب وپیشنهاد شود.در اینجا برای فهم بیشتر مطلب مثالی می آوریم: فرض کنیم در یک نظام حقوقی، برای هر هکتار تصرف منابع طبیعی، هزار تومان جزای نقدی به عنوان مجازات در نظر گرفته شده است. در این نظام اگر فواید ناشی از تصرف غیر قانونی ناشی از تصرف غیر قانونی هر هکتار زمین برای متصرف غیر قانونی، صد هزار تومان باشد، قاعده حقوقی، متصرف غیر قانونی را به افزایش تصرفات و ادامه ارتکاب بزه دعوت وتشویق می نماید. به بیان دیگر در اقتصاد حقوق، برای جرم نیز مانند هر کالای دیگر، قیمت قائلیم، با این توضیح که مجرمان قبل از ارتکاب بزه در ترازوی فرضی به توزین عواید ناشی از وقوع جرم در یک کفه وعواقب کیفری آن در کفه دیگر می پردازند. فلذا در صورتی مرتکب فعل غیر قانونی می شوند که عواید و فواید بر عواقب کیفری بچربد وبه عبارتی توان خرید جرم به دلیل ارزان بودن آن را داشته باشند.



در این وضعیت، اقتصاد حقوق به قانونگذاران نظام حقوقی پیش گفته پیشنهاد می کند تا با افزایش قیمت بزه تصرف عدوانی منابع طبیعی، از به تاراج رفتن این منابع جلوگیری نماید. به عنوان مثالی دیگر، تحلیل اقتصادی حقوق، به مقنن توصیه می کند، جهت افزایش اعتماد عمومی با هدف توسعه معاملات تجاری، قوانینی را وضع کند که متعهدان و بدهکاران را به سمت اجرای تعهد در سر رسید و نه نقض تعهد نیل دهد. مطابق این دیدگاه، نظام حقوقی که در آن دادگاهها، متعهدین و بدهکاران ناقض تعهد را به پرداخت مبلغ اسمی دین به علاوه خسارت تأخیر تأدیه محکوم می نمایند بسیار مطلوب تر و اقتصادی تر از نظامی عمل می کنند که طی آن محاکم قضایی، متعهدین سهل انگار را به پرداخت مبلغ اسمی⁴ و یا مبلغ واقعی⁵ محکوم می نمایند. با این توجیه که در نظام حقوقی مقدم الذکر، متعهد، به پرداخت مبلغ اسمی به علاوه مبلغ واقعی (کاهش ارزش پول) و خسارت تأخیر تأدیه محکوم می گردد پس برای او بهتر است که در سر رسید بدهی خود را بدهد. اما در نظام حقوقی اخیر الذکر متعهد هیچ ابایی از نقض تعهد ندارد چون اگر بدهی خود را در سر رسید نپردازد، داین پس از طی تشریفات عدیده قانونی در یک مدت زمان نسبتاً طولانی تنها می تواند همان هزار تومان خود را که 9 سال پیش به بدهکار داده بگیرد، هزار تومانی که دیگر ارزش هزار تومان 9 سال پیش را ندارد. پر واضح است این نظام حقوقی از طریق تشویق متعهدان به نقض تعهد، موجبات کاهش اعتماد عمومی را فراهم آورده، با کم شدن معاملات و مآلاً کاهش سرعت چرخش پول در جامعه، اثرات اقتصادی منفی فراوانی به جای خواهد گذارد. در این رهگذر، یکی از حوزه های حقوق اقتصادی، حقوق عمومی اقتصادی است که طی آن نقش قوای دولتی و عمومی در فرآیندهای حقوقی - اقتصادی مورد مطالعه قرار می گیرد. بنابر این با شناخت اجمالی حقوق اقتصادی و مآلاً حقوق عمومی اقتصادی، در ادامه به بررسی مولفه های حقوقی امنیت اقتصادی در دامن این علوم خواهیم پرداخت.

3- مفهوم امنیت اقتصادی:

1-3- مفهوم امنیت

گذشته از مفهوم لغوی امنیت و قبل از هر چیز لازم است میان دو مقوله "نفس امنیت" و "احساس امنیت" قایل به تفکیک و تمایز باشیم، با این توضیح که گاهی ممکن است ما احساس امنیت کنیم در حالی که نفس امنیت و وجود آن در عالم واقع با چالشهایی رو به روست. و یا بالعکس ممکن است در وضعیتی که کاملاً ایمن است و هیچ خطری ما را تهدید نکند، احساس نا امنی کنیم. تفکیک دو مفهوم فوق و اثر آن خاصه هنگامی تقویت می شود که امروزه تأثیر تبلیغات و نقش رسانه های ملی و بین المللی مانند تلویزیون، رادیو، اینترنت و... بر هیچکس پوشیده نیست. به بیان دیگر ممکن است در یک کشور، امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... به معنای واقعی و در عالم خارج محقق باشد ولی در نتیجه تبلیغات سوء رسانه ها، سرمایه گذاران خارجی رغبت خود را جهت سرمایه گذاری در آن کشور از دست بدهند. هر چند در مورد مفهوم امنیت به عنوان رکنی از ترکیب "امنیت اقتصادی" به گونه ای که بتواند ترکیب فوق را به صورت جامع و مانع تشریح و تعریف نماید، تعریف مناسبی ارائه نشده اما می توان امنیت را اینگونه تعریف نمود:

وضعیتی است مطلوب که طی آن با کمترین میزان چالش و نا امنی روانی رو به رو هستیم.

2-3- علم اقتصاد



یکی از ارکان مفهوم انتزاعی "امنیت اقتصادی" نیز مفهوم اقتصاد به عنوان یک علم می باشد. در تعریف علم اقتصاد گفته اند: "علم تخصیص منابع محدود به نیازها و خواسته های نامحدود بشر می باشد. این منابع توسط طبیعت و نسل های گذشته در اختیار بشر قرار گرفته است." حوزه های عمده و اساسی اقتصاد نیز عبارتند از:

1- تولید

2- توزیع

3- مبادله

4- مصرف

1-2-3- اقتصاد خرد و کلان

در اقتصاد خرد به بررسی رفتار تک تک خانوارها (نمایندگان مصرف کنندگان) و بنگاهها (نمایندگان تولید کنندگان) در جامعه می پردازد ولی اقتصاد کلان مجموع رفتارهای اقتصادی عوامل اقتصادی یک جامعه را به صورت یک واحد کل بررسی می نماید. بدین ترتیب، چگونگی رفتار یک مصرف کننده، اثرات مارک یک محصول، قدرت خرید یک خانواده و مثالی از این دست در اقتصاد خرد و مسئله بیکاری، درآمد ملی، اشتغال، توسعه اقتصادی و... در اقتصاد کلان مورد مطالعه قرار می گیرد.

2-2-3- اقتصاد توصیفی و هنجاری

در اقتصاد توصیفی، تئوری ها و نظریات اقتصادی، جدای از واقعیات اجتماعی و به نحو صرفاً نظری و آکادمیک مطالعه می گردد اما در اقتصاد هنجاری یا دستوری، بر اساس وضعیت هر کشور، فرمول ها و راهکارهای اقتصادی را برای آن کشور تعریف می نمایند. به عنوان نمونه اگر بگوییم "افزایش اشتغال موجب افزایش تورم است" در حوزه اقتصاد توصیفی هستیم اما اینکه "هدفمند کردن یارانه ها برای وضعیت فعلی ایران نسخه مناسبی است" از مطالعات حوزه هنجاری است.

3-2-3- وظایف هر سیستم اقتصادی

هر سیستم اقتصادی، صرف نظر از نوع آن، باید به نحوی، 5 وظیفه اصلی مربوط به هم را انجام بدهد. این 5 وظیفه، به صورت 5 مسئله اقتصادی زیر بیان می گردند که هر سیستم اقتصادی باید جوابگوی آنها باشد:

1- چه باید تولید کرد؟

2- تشکیلات و سازمان های تولید به چه نحوی باید باشد؟ (چگونه باید تولید کرد)

3- کالاها و خدمات به چه نحوی باید توزیع شوند؟ (برای که باید تولید کرد)

4- اگر میزان عرضه کالاها در طول زمان ثابت باشد چگونه باید آنها را در طول زمان جیره بندی کرد؟

5- چگونه باید قدرت تولیدی جامعه را حفظ کرد و افزایش داد؟

3-3- امنیت اقتصادی

بنا بر آنچه در بیان مفاهیم امنیت و اقتصاد گذشت، می توان در تعریف امنیت اقتصادی گفت: "وضعیتی است که طی آن سرمایه گذار، در سایه اقتصاد سالم، دغدغه ای در بازگشت سرمایه به علاوه حداقلی سئد نخواهد داشت."



در کنار تعریف فوق، با نگاهی گذرا به قوانین و مقررات در ایران در می یابیم تقریباً "اصطلاح" امنیت اقتصادی " نخستین بار در سال 1385 و در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی (سند چشم انداز بیت ساله نظام) آمده است. مطابق سند مزبور سیاست های کلی نظام در خصوص امنیت اقتصادی عبارتند از:

- 1- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه گذاری و کارآفرینی از راههای قانونی و مشروع
 - 2- هدف از ایجاد امنیت سرمایه گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه ساز برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است.
 - 3- قوانین و سیاست های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشد.
 - 4- نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسایل اقتصادی باید دقیق، روشن تخصصی باشد.
 - 5- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد. همچنین در بند دهم سیاست های کلی بر نامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی (در بخش اقتصادی) از سند مزبور آمده است: " حفظ امنیت سرمایه گذاری و ارج نهادن به سازندگی و کار آفرینی و حفظ حرمت و ارزش های ناشی از راههای مشروع ".
- لازم به ذکر است که هر چند در سند پیش گفته، مفهوم " امنیت سرمایه گذاری " به معنای " امنیت اقتصادی " و بعضاً " به جای آن به کار رفته است اما به نظر می رسد " امنیت اقتصادی " معنا و حوزه فراگیرتر و عام الشمول تری نسبت به امنیت سرمایه گذاری دارد.
- امروزه در دنیاسازمانها موسسات بسیاری به امر ریسک سنجی سرمایه گذاری و امنیت اقتصادی کشورها می پردازند و با رتبه بندی دولتها از لحاظ ریسکهای سرمایه گذاری، سمت و سوی فعالیتهای سرمایه گذاران را مشخص و تمایل و انگیزه آنها را برای سرمایه گذاری در کشورهای با ریسک حداقل جهت دهی می نمایند.

یکی از نهادهایی که ریسک سرمایه گذاری کشورها را مورد سنجش قرار داده ، ارائه می نماید «واحد اطلاعات اکونومیست» می باشد. این موسسه برای طبقه بندی دولتها از حیث امنیت اقتصادی ، معیارهایی را بررسی و سپس کشورها را در چهار گروه تقسیم بندی می کند. این معیارها عبارتند از:

- 1- سیاست پولی
- 2- سیاست مالی
- 3- سیاست ارزی
- 4- سیاست بازرگانی
- 5- سیاستهای حقوقی و مقرراتی
- 6- رشد پس انداز
- 7- ثبات تراز تجاری
- 8- بدهی تجاری



9- ساختار مالی و.....

به عنوان نمونه، جمهوری اسلامی ایران در نیمه اول سال 1999 میلادی با کسب 78 امتیاز از موسسه مزبور در طبقه چهارم (ضعیفترین گروه) قرار گرفته است.¹⁰

از دیگر موسسات ریسک سنجی، موسسه هری تیچ و موسسه اروپایی می باشد که هر یک معیارهایی خاص به خود مانند میزان دخالت دولت در اقتصاد، استقلال دستگاه قضایی، شفافیت قوانین و کم بودن فساد مالی را در رتبه بندی کشورها از حیث امنیت اقتصادی اعمال می کنند.

در نهایت لازم به ذکر است امنیت اقتصادی، مفهومی فراگیر بوده و مولفه ها و جنبه های متعددی مانند مولفه های سیاسی، حقوقی و اقتصادی و... را در بر می گیرد در این مختصر به تشریح مولفه های حقوقی امنیت اقتصادی خواهیم پرداخت.

4- حوزه های مرتبط با امنیت اقتصادی و آثار آن

پر واضح است که مقوله امنیت اقتصادی، یک حوزه مجزا و مستقل از مسائل اجتماعی، فرهنگی، قضایی و... نمی باشد، بلکه واقعیتی است وابسته، مرتبط و همبسته با امنیت ملی که از جنبه های امنیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، قضایی و... متأثر بوده و بر آنها اثر گذار است.

1-4- امنیت فرهنگی و اجتماعی

بدیهی است توسعه و امنیت اقتصادی تنها در دامن جامعه ای ایمن و به دور از ناهنجاریهای گسترده اجتماعی و فرهنگی متصور خواهد بود. در این راستا مهمتری امری که می تواند راهگشا بوده و بسیاری از موانع اجتماعی توسعه را مرتفع سازد، مقوله «آموزش» است.

به بیان دیگر در یک جامعه سالم از حیث فرهنگی و اجتماعی، مردم توان وظرفیتهای خود را صرف کار و پیشرفت خواهند نمود. نامگذاری سال 1389 تحت عنوان «همت مضاعف، کار مضاعف» توسط مقام معظم رهبری دامت برکاته، نمونه ای از توجه به تأثیر شگرف فرهنگ و عرف اجتماعی در پیشرفت اقتصادی است. تقویت باورهای دینی و ترویج فرهنگ پرهیز از تعدی به حقوق غیرنیز، به نحو چشمگیری زمینه ساز امنیت اقتصادی می باشد.

2-4- امنیت سیاسی

وجود امنیت اقتصادی و مهمتر از آن ابراز و تبلیغ این مهم در راستای ایجاد احساس امنیت، تا حد زیادی به وجود امنیت سیاسی و نظامی وابستگی دارد. به عبارت دیگر وجود چالشهای سیاسی اعم از داخلی و خارجی، همواره به عنوان سدی در مقابل توسعه اقتصادی مطرح بوده، در چنین شرایطی

، آحاد جامعه از تولید کار آفرینی و فن آوری و به طور کلی از حالت عادی اقتصادی خارج شده و با ورود به فضای هرج و مرج اقتصادی، سالهای سال از توسعه عقب خواهند ماند. این مهم به حدی در امور اقتصادی نفوذ یافته که حتی امنیت سیاسی منطقه ای رانیز باید به شرایط تحصیل و نیل به امنیت اقتصادی یک کشور افزود. در این زمینه روابط دیپلماتیک یک کشور و مسائلی همچون اعمال تحریمهای بین المللی نیز قابل تأمل است.

3-4- امنیت قضایی



اصطلاح امنیت قضایی نیز، برای نخستین بار، در سیاست های کلی نظام (سند چشم انداز بیست ساله) مطرح گردیده است. در سند مزبور طی هفده بند، سیاستهای کلی قضایی کشور با هدف تضمین عدالت قضایی و تضمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت، ارائه واحصاء گردیده است. در تبیین ارتباط امنیت قضایی و امنیت اقتصادی، بر هیچکس پوشیده نیست که امنیت حقوقی و قضایی به عنوان یکی از مقدمات اساسی وزیر ساخت های ضروری در مسیر تحقق امنیت اقتصادی در تمامی نظام های حقوقی اقتصادی جهان مطرح بوده و می باشد. علت این وابستگی شدید نیز ختم شدن تمامی مسائل و معضلات هر کشور به سیستم قضایی آن کشور است. به بیان دیگر، هنگامی که سرمایه گذار از صحت و سرعت رسیدگی های قضایی و عادل بودن قضات کشور سرمایه پذیراطمینان داشته باشد، دیگر دغدغه چندانی برای سرمایه گذاران در آن کشور نخواهد داشت.

4-4- تأثیر وجود امنیت اقتصادی بر توسعه اقتصادی

4-4-1- مفهوم توسعه اقتصادی

برخی مفهوم فراگیر " توسعه اقتصادی " را با مفهوم محدود و کمی " رشد اقتصادی " خلط می نمایند. " رشد " یک مقوله کاملاً کمی و محدود و صرفاً اقتصادی است. در حالی که توسعه یک مفهوم فراگیرتر و واجد جنبه های کمی و کیفی است که طی آنحوزه های عام الشمولی نظیر امور علمی، فرهنگی، مذهبی، اداری، اقتصادی، مدیریت، امنیت، تجارت، حقوق، بورس، سلامت، آموزش، حمل و نقل، مالیات و... مورد مطالعه قرار می گیرد.

4-4-2- تأثیر امنیت بر توسعه

همچنانکه گذشت توسعه اقتصادی یک مفهوم فراگیر است که طی آن پیشرفت یک کشور طی یک دوره زمانی مشخص در جنبه های مختلف سیاسی- اقتصادی- فرهنگی- قضایی و...تضمین می شود. در این رهگذر امنیت اقتصادی می تواند با تضمین نمودن سرمایه گذاران و انجام فعالیت های اقتصادی سالم، پویا ونظام مند تأثیر بسزایی در حصول توسعه داشته باشد. به دیگر سخن، وجود امنیت اقتصادی به مثابه سایر ستون های توسعه (مانند امنیت فرهنگی، رشد اقتصادی، امنیت قضایی، توسعه آموزشی و علمی و...) یکی از لوازم و ضروریات برای دستیابی به توسعه اقتصادی بوده، بدون آن یکی از شرایط لازمحقق نبوده، مآلاً " توسعه اقتصادی متصور و ممکن نخواهد بود.

5- مؤلفه های حقوقی امنیت اقتصادی

همان گونه که عنوان شد از یک سو یکی از لوازم توسعه اقتصادی در کنار لوازمی مانند توسعه فرهنگی، امنیت ملی، توسعه علمی، امنیت قضایی و...، " امنیت اقتصادی " است واز سوی دیگر خود " امنیت اقتصادی " نیز واجد مؤلفه های گوناگونی همچون مؤلفه های سیاسی، فرهنگی می باشد که در این مقاله به بررسی مؤلفه های حقوقی آن خواهیم پرداخت با این توضیح که منظور از مؤلفه های حقوقی، " قوانین، مقررات و احکام محاکم قضایی " می باشد. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و توجهها " به اصل تفکیک قوا، قوای مقننه، اجرائیه وقضائیه، قوای مستقل از یکدیگر هستند که در ارتباط و تعامل با هم ، امور حاکمیت کشور را تحت تکالیف محوله قانونی، تصدی می نمایند. در خصوص مسایل هر یک از قوای سه گانه، وظایف و اختیارات خاص به خود را دارند. قوه مقننه عهده دار وضع قوانین است، قوه مجریه اجرای قوانین را بر عهده دارد و دستگاه قضایی نیز وظیفه نظارت، اجرای عدالت، رسیدگی های قضایی و صدور احکام را بر عهده دارد. در این بین



قوای مجریه و قضائیه قادر به وضع و صدور مقررات (مانند آئین نامه، بخشنامه و...) نیز هستند. بدین ترتیب مؤلفه های حقوقی امنیت اقتصادی در بستر هر یک از قوا به نحو مجزا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1-5- قوه مقننه

در مقوله امنیت و توسعه اقتصادی، از منظر حقوقی در کشورهای با حقوق نوشته (مثل ایران) سنگین ترین و وسیع ترین تکلیف را قوه مقننه بر عهده دارد. به بیان دیگر در کشورهای با حقوق رومی- ژرمنی، قانون حرف اول را در جامعه می زند و تمامی امور می بایست مطابق و بر اساس قانون انظام یابد.

به طور کلی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی وجود سه اصل شرط لازم و ضروری است:

الف- شرایط صلح

تنها در وضعیت صلح و دوستی است که یک کشور مجال پیشرفت و توسعه می یابد والا چنانچه کشوری درگیر جنگ بین المللی با یک دولت متخاصم یا جنگ داخلی باشد، تمام انرژی و ظرفیت های کشور صرف پیروزی در جنگ خواهد شد، فلذا دیگر نیرو توانی برای توسعه باقی نخواهد ماند. چه اینکه در این شرایط، هدف و برنامه دولت ها، اساساً توسعه اقتصادی نیست بلکه نجات یافتن از مهلکه جنگ است. نمونه بارز این مهم در جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان قابل رؤیت است. این شرط یک مسئله سیاسی و ناظر بر قوای اجرایی کشور است چرا که در غالب کشورها، رییس مملکت که همان رییس قوه مجریه است، روابط دیپلماتیک و صلح و دوستی را رقم زده، تعیین می نماید. اعمال تحریمهای اقتصادی بین المللی علیه یک کشور نیز موجب تغییر برنامه دولت مورد تحریم و مآلاً انحراف و دور شدن آن از مسیر توسعه خواهد بود.

ب- وجود این اصل که «هر کس از ثروت های جامعه به میزانی بهره مند شود که برای آن زحمت کشیده است».

عدالت اقتصادی و حقوقی هنگامی تحقق می یابد که هر کس به میزان تلاش و زحمت خود از سرمایه های عمومی بهره مند شود. به بیان دیگر نظام حقوقی مطلوب نظامی است که اجازه تعدی به حقوق دیگران را نمی دهد. این اصل مترقی اقتصادی برای حقوقدانان نیز غریبه نیست، چه اینکه اصل «منع دارا شدن بلاجهت» یا «منع اکل مال بباطل» نیز از جمله مهمترین قواعد و اصول حقوقی است. شاید بتوان برجسته ترین نقطه تلاقی حقوق و اقتصاد را همین اصل منع دارا شدن بلا جهت دانست که خود ریشه بسیاری از اصول حقوقی و اقتصادی است. این اصل ناظر بر قوای تقنین است. به این معنا که مجلس قانونگذاری باید قوانین را به دقت و به نحو موشکافانه و فنی وضع نماید و قوانین مصوب به نحوی باشد که از هر گونه تعدی و تجاوز به حقوق دیگران جلوگیری نماید.

ج- وجود قوه قضاییه مستقل و کارآمدی که اصل دوم را تضمین نماید.

همانطور که در سه شرط فوق بیان شد، مهمترین وظیفه در راستای تأمین و تضمین امنیت اقتصادی متوجه قوه مقننه می باشد. چرا که اگر قوانین و مقررات به نحو صحت و دقت و کارشناسانه تصویب شود، هر کس به حقوق حقه خود دست خواهد یافت و بدان بسنده خواهد نمود و چه مشوقی برای سرمایه گذار از این بهتر و گران سنگ تر می توان یافت؟؟؟



این دیدگاه مخصوصاً "هنگامی تقویت می شود که بسیاری از موسسات ریسک سنجی، بیشتر توجه خود را معطوف به امور قانونی نموده، مسائلی همچون شیوه تصویب قانون، شفافیت قوانین، استقلال قوه مقننه و... را به عنوان مهمترین معیارهای رتبه بندی خود قرار داده اند. از طرف دیگر به دلیل مکتوب بودن قوانین و سرعت انتشار آنها، اولین و رسمی ترین منبعی که در اختیار سرمایه گذاران و موسسات ریسک سنجی قرار می گیرد، همین قوانین مصوب مجلس قانونگذاری است و اکثر سرمایه گذاران و دولت‌ها و شرکتهای خارجی، سرمایه گذاری های خود را بر اساس مواد مفاد همین قوانین برنامه ریزی می کنند. به هر ترتیب در جهت نیل به امنیت و مآلاً "توسعه اقتصادی، نقطه شروع و چه بسا اساسی ترین بخش، قوه قانونگذار می باشد. مواد و مقررات سند چشم انداز بیست ساله نظام نیز موید این نظرست، چرا که در بسیاری موارد وبه نحو تصریح، تکالیفی را بر عهده مجلس قرار داده است.¹¹

1-1-5- قواعد عمومی تقنین

با عنایت به آنچه گذشت موارد زیر به عنوان پیشنهادات حقوقی و ضروریات اقتصادی در حیطه قانونگذاری ارائه می گردد:

- 1- وضع قوانین و مقررات با رعایت اصول اقتصادی و مطلوبیت و کارایی
- 2- ایجاد ثبات در قوانین و پرهیز از تغییرات سریع قوانین و مقررات.
- 3- افزایش شفافیت در قوانین و استفاده از شیوه های قانون نویسی تصریحی و پرهیز از به کار بردن عبارات و الفاظ و معانی ضمنی و قابل تفسیر های فراوان.
- 4- اهتمام برای هماهنگ و سازگار کردن قوانین با یکدیگر تا جایی که در وضع هر قانون، ارتباط و هماهنگی با سایر قوانین سابق التصویب رعایت و لحاظ گردد.
- 5- «اصلاح مقرراتی که انحصارهایی در فعالیت های اقتصادی بوجود آورده یا خواهد آورد با رعایت موارد پیش بینی شده در قانون اساسی و مصالح کشور»¹²
- 6- « حفظ امنیت سرمایه گذاری و ارج نهادن به سازندگی و کارآفرینی و حفظ حرمت داراییهای ناشی از راههای قانونی و شرعی»¹³
- 7- تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاستگذاری و هدایت و نظارت.
- 8- رعایت الزامات سازمان تجارت جهانی¹⁴ در مسیر الحاق و سپس عضویت دایم مانند کاهش تعرفه ها و سایر موانع تجارت.

2-1-5- اصلاح قوانین مغل امنیت سرمایه گذاری به شرح زیر:

- 1- اصلاح قانون کار
- 2- اصلاح قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی.
- 3- اصلاح برخی اصول قانون اساسی مانند اصل هشتاد و یکم.¹⁵
- 4- اصلاح قانون تجارت.



5- وضع قانون آیین دادرسی تجاری و اقتصادی.

6- وضع قانون جرایم اقتصادی.

7- «اصلاح نظام مالیاتی در جهت برقراری عدالت در گرفتن مالیات، توجه به ضرورت تولید و سرمایه گذاری و ایجاد انگیزه های مردمی در پرداخت مالیات و افزایش نسبت مالیات در درآمدهای دولت»¹⁶

نماگر زیر سیر افزایش درآمدهای مالیاتی دولت ایران را طی سالهای 1370 الی 1386 نشان می دهد¹⁷

سال	درآمدهای مالیاتی دولت (مستقیم)
1378	16569/4
1379	19584/6
1380	22987/9
1381	28047
1382	32033/5
1383	41896/7
1384	84029/7
1385	97691/2
1386	126333/7

2-5- قوه مجریه

دولت نیز می تواند در حوزه های زیر در جهت فراهم آوردن بسترهای امنیت اقتصادی نقش بسزایی ایفا نماید:

1-2-5- تأمین صلح و شرایط سیاسی ایمن

رشد و پیشرفت اقتصادی در یک فضای متشنج سیاسی و اجتماعی به هیچ عنوان محقق نخواهد شد. قوه مجریه می تواند از طریق سیاستهای صحیح و شیوه های خاص دیپلماتیک، امنیت سیاسی داخلی و خارجی را تأمین نماید.

2-2-5- پرهیز از انجام فعالیتهای اقتصادی در سطح وسیع و معطوف نمودن توان خود بر نظارت و اعمال سیاستهای اقتصادی

دخالت دولت در هر زمینه تولیدی یا خدماتی یا صنعتی به دلیل قوی بودن او، قطعاً موجب ایجاد انحصار در آن حوزه خواهد شد. نمونه بارز این امر صنعت خودرو سازی در ایران می باشد. در شرایط انحصار، از یک طرف تولیداتی با کیفیت پایین اما با قیمت بیشتر تولی و به فروش می رسد و از طرف دیگر انگیزه لازم برای سرمایه گذاری بخش خصوصی در آن قسمت کاهش خواهد یافت. چون سرمایه گذار در خود توان رقابت با غول اقتصادی دولت را سراغ ندارد. ورود دولت به فعالیتهای تولیدی، همچنین باعث کاهش توان حاکمیتی و نظارتی دولت نیز خواهد شد. به



بیان دیگر دولت با ورود به عرصه تولید فعالیتهای اقتصادی (از جمله تولید، توزیع و...)، عملاً از وظیفه نظارتی - حاکمیتی خود تا حدود زیادی باز خواهد ماند. افزایش فساد اداری و رانت خواری و کاهش بهره وری مدیران و کارگران دولتی نیز از دیگر آثار ورود دولت به عرصه فعالیتهای اقتصادی است. نویسندگان سند چشم انداز نیز با اشراف بر موضوعات پیش گفته بر موارد زیر تأکید نموده است:

- ارتقای کارایی بنگاههای اقتصادی و بهره وری منابع انسانی و مادی و فناوری

- افزایش بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی

- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیتهای اقتصادی

- توانمند سازی بخش خصوصی و تعاونی برای ایفای فعالیتهای اقتصادی و اداره بنگاههای بزرگ

3-2-5 - تولید کالاهای عمومی¹⁸

از نگاه اقتصادی «کالای عمومی» به کالاهایی اطلاق می شود که تولید آن توسط بخش خصوصی به دلیل عدم بازگشت سرمایه و سود، بهینه و اقتصادی نیست. با این نگاه، احداث راهها، پارکها و دیوارهای مرزی و... از جمله کالاهای عمومی محسوب می شوند. به عبارت دیگر یکی از مهمترین وظایف دولت در مسیر توسعه اقتصادی، توسعه زیر ساختها خصوصاً در بخش حمل و نقل مثلاً توسعه خطوط زمینی، ریلی و هوایی می باشد.

4-2-5 - وضع مقررات (آیین نامه ها، دستور العملها و بخشنامه ها) به نحو هماهنگ و شفاف و موافق مطلوبیت اقتصادی و قوانین.

3-5-5 - قوه قضاییه

همانطور که بیان شد، در مقوله امنیت اقتصادی، از نقطه نظر حقوقی، مهمترین نقش را مجلس قانون گذاری بر عهده دارد. با این توضیح که اگر در وضع قوانین و مقررات، اصول قانون گذاری و کارایی اقتصادی لحاظ شود، متعاقباً قوای اجرایی و قضایی نیز قانون مطلوبی را اجرا و مآلاً نظارت می نمایند. اما در این بین نقش قوه قضاییه هم بسیار پر رنگ است. سومین شرط از شرایط توسعه اقتصادی پس از تأمین صلح و اصل دارا شدن بلا جهت و تصویب قوانین مطلوب، وجود قوه قضاییه مستقل و توانمندی است که بتواند اجرای دقیق و صحیح قوانین را تضمین نماید. در واقع دستگاه قضایی با رسیدگی و صدور احکام صحیح و عادلانه، نقشی اساسی در تحقق امنیت اقتصادی داشته، نیازی به ورود این نهاد به حوزه ها و مسایل جزئی اقتصادی نیست. به بیان دیگر برای سرمایه گذار (داخلی یا خارجی) هیچ تضمینی بالاتر از "احساس امنیت قضایی" در کشور یا منطقه میزبان سرمایه وجود ندارد. در سند چشم انداز بیست ساله نیز، مقنن در بند 4 از سیاست های کلی در خصوص امنیت اقتصادی از نقطه نظر قضایی آورده است:

" نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسایل اقتصادی باید دقیق، روشن و تخصصی باشد".

بدین ترتیب راهکارهای قضایی توسعه اقتصادی و امنیت عبارتند از:

1- تضمین اصل بی طرفی و اهتمام در جلب اعتماد عمومی از طریق تقویت استقلال دستگاه قضایی و توسعه وحدت رویه در تصمیمات قضات.

2- تخصصی کردن رسیدگی¹⁹ به دعاوی اقتصادی و تجاری

3- توسعه روش داوری و حکمیت²⁰ در حل و فصل دعاوی تجاری



4- کاستن از مراحل دادرسی به منظور دسترسی به قطعیت احکام در زمان مناسب²¹

5- رعایت اصل سرعت در رسیدگی به پرونده های تجاری و اقتصادی توجهها به اهمیت اصل سرعت در عالم تجارت و اقتصاد

6- تفسیر قوانین به نفع اجرای تعهد و نه نقض آن

نتیجه گیری و برداشت

تحلیل اقتصادی حقوق (اقتصاد حقوق) دو هدف را دنبال می کند: 1-

الف- بررسی تأثیر قوانین و احکام قضایی بر رفتار افراد و بنگاهها.

ب- اصلاح قوانین غیر مطلوب و تدوین مقررات کار، اقتصادی و بهینه.

2- در تعریف امنیت اقتصادی باید گفت: "وضعیتی است که طی آن سرمایه گذار، در سایه اقتصاد سالم، دغدغه ای در بازگشت سرمایه به علاوه حداقلی سند نخواهد داشت."

3- مطابق سند چشم انداز بیست ساله نظام سیاست های کلی نظام در خصوص امنیت اقتصادی عبارتند از:

1- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه گذاری و کارآفرینی از راههای قانونی و مشروع

2- هدف از ایجاد امنیت سرمایه گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه ساز برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر امور که به آن هدف کمک می کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است.

3- قوانین و سیاست های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشد.

4- نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسایل اقتصادی باید دقیق، روشن تخصصی باشد.

5- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

4- تقویت باورهای دینی و ترویج فرهنگ پرهیز از تعدی به حقوق غیرنیز، به نحو چشمگیری زمینه ساز امنیت اقتصادی می باشد.

5- " رشد " یک مقوله کاملاً کمی و محدود و صرفاً اقتصادی است. در حالی که توسعه یک مفهوم فراگیرتر و واجد جنبه های کمی و کیفی است که طی آن حوزه های عام الشمولی نظیر امور علمی، فرهنگی، مذهبی، اداری، اقتصادی، مدیریت، امنیت، تجارت، حقوق، بورس، سلامت، آموزش، حمل و نقل، مالیات و... مورد مطالعه قرار می گیرد.

6- در مقوله امنیت و توسعه اقتصادی، از منظر حقوقی در کشورهای با حقوق نوشته (مثل ایران) سنگین ترین و وسیع ترین تکلیف را قوه مقننه بر عهده دارد. به بیان دیگر در کشورهای با حقوق رومی- ژرمنی، قانون حرف اول را در جامعه می زند و تمامی امور می بایست مطابق و بر اساس قانون نظام یابد .



7- به طور کلی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی وجود سه اصل شرط لازم و ضروری است :

الف- شرایط صلح

ب- وجود این اصل که « هر کس از ثروت های جامعه به میزانی بهره مند شود که برای آن زحمت کشیده است»

ج- وجود قوه قضاییه مستقل و کارآمدی که اصل دوم را تضمین نماید.

8- موارد زیر به عنوان پیشنهادات حقوقی و ضروریات اقتصادی در حیطة قانونگذاری ارائه می گردد:

1-وضع قوانین و مقررات با رعایت اصول اقتصادی و مطلوبیت و کارایی

2- ایجاد ثبات در قوانین و پرهیز از تغییرات سریع قوانین و مقررات.

3- افزایش شفافیت در قوانین و استفاده از شیوه های قانون نویسی تصریحی و پرهیز از به کار بردن عبارات و الفاظ و معانی ضمنی و قابل تفسیر های فراوان.

4- اهتمام برای هماهنگ و سازگار کردن قوانین با یکدیگر تا جایی که ذر وضع هر قانون، ارتباط و هماهنگی با سایر قوانین سابق التصویب رعایت و لحاظ گردد.

5-«اصلاح مقرراتی که انحصارهایی در فعالیت های اقتصادی بوجود آورده یا خواهد آورد با رعایت موارد پیش بینی شده در قانون اساسی و مصالح کشور»

6- « حفظ امنیت سرمایه گذاری و ارج نهادن به سازندگی و کارآفرینی و حفظ حرمت داراییهای ناشی از راههای قانونی و شرعی»

7- تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاستگذاری و هدایت و نظارت.

8- رعایت الزامات سازمان تجارت جهانی در مسیر الحاق و سپس عضویت دایم مانند کاهش تعرفه ها و سایر موانع تجارت

9- در راستای نیل به امنیت اقتصادی، در موارد زیر نیازمند اصلاح و باز نگری هستیم:

1-اصلاح قانون کار

2- اصلاح قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی.

3- اصلاح برخی اصول قانون اساسی مانند اصل هشتاد و یکم.

4- اصلاح قانون تجارت.

5- وضع قانون آیین دادرسی تجاری و اقتصادی.

6- وضع قانون جرایم اقتصادی.



7- «اصلاح نظام مالیاتی در جهت برقراری عدالت در گرفتن مالیات، توجه به ضرورت تولید و سرمایه گذاری و ایجاد انگیزه های مردمی در پرداخت مالیات و افزایش نسبت مالیات در درآمدهای دولت»

10- دولت می تواند در حوزه های زیر در جهت فراهم آوردن بسترهای امنیت اقتصادی نقش بسزایی ایفا نماید:

1- تأمین صلح و شرایط سیاسی ایمن

2- پرهیز از انجام فعالیتهای اقتصادی در سطح وسیع و معطوف نمودن توان خود بر نظارت و اعمال سیاستهای اقتصادی

3- تولید کالاهای عمومی

4- وضع مقررات (آیین نامه ها، دستور العملها و بخشنامه ها) به نحو هماهنگ و شفاف و موافق مطلوبیت اقتصادی و قوانین.

11- دستگاه قضایی با رسیدگی و صدور احکام صحیح و عادلانه، نقشی اساسی در تحقق امنیت اقتصادی داشته، نیازی به ورود این نهاد به حوزه ها و مسایل جزئی اقتصادی نیست. به بیان دیگر برای سرمایه گذار (داخلی یا خارجی) هیچ تضمینی بالاتر از " احساس امنیت قضایی " در کشور یا منطقه میزبان سرمایه وجود ندارد.

12- راهکارهای قضایی توسعه اقتصادی و امنیت عبارتند از:

1- تضمین اصل بی طرفی و اهتمام در جلب اعتماد عمومی از طریق تقویت استقلال دستگاه قضایی و توسعه وحدت رویه در تصمیمات قضات .

2- تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی اقتصادی و تجاری

3- توسعه روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی تجاری

4- کاستن از مراحل دادرسی به منظور دسترسی به قطعیت احکام در زمان مناسب

5- رعایت اصل سرعت در رسیدگی به پرونده های تجاری و اقتصادی توجهها به اهمیت اصل سرعت در عالم تجارت و اقتصاد

6- تفسیر قوانین به نفع اجرای تعهد و نه نقض آن



پی نوشت ها

- 1- Law and Economic ,Ulen and Cooter.2005
- 2- اقتصاد خرد به بررسی تک تک مصرف کنندگان و تولید کنندگان می پردازد.
- 3-Law and Economic ,Ulen and Cooter.2005
- 4- مبلغ اسمی: همان مبلغی است که در روی وجوه و نقود درج می شود.مثلا پرداخت هزار تومان در سال 89 به جای بدهی هزار تومانی در سال 80
- 5- مبلغ واقعی: پرداخت مبلغ اسمی به علاوه نرخ تورم در سررسید.(قدرت خرید)
- 6- امیر رحیمی، حسین، همان، صفحه 1
- 7- برای مطالعه بیشتر ر. ک. ریچارد- اچ - لفت ویچ، سیستم قیمتها و تخصیص منابع تولیدی.
- 8- امیر رحیمی، حسین، همان.
- 9- ریچارد- اچ - لفت ویچ، همان، صفحه 20.
- 10- طاهری، ابوالقاسم، صفحه 45.
- 11- به عنوان نمونه در بخش سیاستهای کلی در خصوص امنیت اقتصادی آمده است: «...2- هدف از امنیت سرمایه گذاری...است، وضع قوانین و مقررات...به عهده دولت و مجلس است.»
- 12- بند 7 سیاستهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.
- 13- بند 10 سیاستهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.
- 14- World Trade Organization.
- 15- اصل 81 قانون اساسی: « دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسه ها در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقا ممنوع است.»
- 16- بند 4 سیاستهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.
- 17- برگرفته از هفته نامه خبری- تحقیقی برنامه ، معاونت راهبردی ریاست جمهوری ، شماره 341 ، سال هشتم ، 1388.



صفحه 35(ارقام: میلیارد ریال)

18- The Public Goods

19- بند 4 سیاستهای کلی نظام در خصوص امنیت قضایی.

20- بند 9 سیاستهای کلی نظام در خصوص امنیت قضایی.

21- - بند 6 سیاستهای کلی نظام در خصوص امنیت قضایی.

منابع و مأخذ

الف : کتب

1-امیر رحیمی ، حسین ، اقتصاد (خرد و کلان) ، نشر مدرسان شریف ، تهران ، 1387

2- ریچارد- اچ- لفت ویچ ، ترجمه : سجادی ، امیر نظام ، سیستم قیمتها و تخصیص منابع تولیدی، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ، تهران ، 1376.

3- مصلی نژاد ، غلام عباس ، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، چاپ اول ، تهران ، نشر توسن ، 1384

4-Cooter&Ulen , Law and Economics ,2005.

5- , Frank H.Stephen ,The Economics of Law, 1E, S and SInternational Group, 1988

6-, NicholasMercurio& Steven G.Medema, Economics and Law, 2E , 2006 , Princeton.U.Press

ب : مقالات

6- طاهری ، ابوالقاسم ، موانع جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران ، مجله پژوهش حقوق و سیاست ، شماره 14 ، سال هفتم ، بهار و تابستان 1384

7- هفته نامه خبری- تحقیقی برنامه ، معاونت راهبردی ریاست جمهوری ، شماره 341 ، سال هشتم ، 1388.

ج : قوانین

8- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

9- چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی

10- قانون مالیات بر ارزش افزوده



11- قانون کار

12- قانون تجارت

13- قانون جذب و تشویق سرمایه گذاری خارجی

د : سایت ها

14- WWW.ec-conf.ir

15- WWW.satcom.ir

16- WWW.spac.ir

17- WWW.irc.ir

18- WWW.ghest.com

19- WWW.iccim.org

20- WWW.jobiran.com

Archive of SID